

## تبیین سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه

محمد رضا احمدی یقین<sup>۱</sup>

### چکیده

تحولات ژئوپلیتیکی در حوزه‌های منطقه‌ای بدون توجه به رفتار استراتژیک و نقش سیاسی قدرت‌های بزرگ انجام نمی‌شود. تاریخ سیاسی خاورمیانه از جمله سوریه نشان می‌دهد که در این حوزه جغرافیایی، حضور نیروهای نظامی و مجموعه‌های مداخله‌گر بین‌المللی وجود داشته است. بحران سوریه از بزرگ‌ترین بحران‌های ژئوپلیتیکی فعلی در جهان اسلام بوده و مداخله قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه باعث تشدید اختلافات و منازعات شده است. مقاله حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این سؤال است که سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه چیست؟ نتایج حاصل نشان می‌دهد که موضوع سوریه و حفظ بشار اسد برای رهبران روسیه بیشتر ابزاری برای دستیابی به اهداف عمیق‌تر و عمل‌گرایانه‌تر است و این کشور در پی کسب منافع راهبردی خود اهدافی چون حفظ پایگاه‌هایی طرفوس به‌عنوان تنها پایگاه دریایی خود در مدیترانه، مبارزه با تروریسم بنیادگرا و داعش، همکاری با جهان اسلام، مقابله با تهدیدها و تحریم‌های غرب و مسئله کریمه، سیاست نگاه به شرق را در پیش گرفته و در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی همراه با نقش فعال‌تر در سازمان ملل به دنبال حفظ تمامیت ارضی سوریه، جلوگیری از سقوط بشار اسد و یک‌جانبه‌گرایی غرب در عرصه‌های مختلف جهانی است.

**واژگان کلیدی:** خاورمیانه، بحران سوریه، روسیه، امنیت.

---

<sup>۱</sup> دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## مقدمه

خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعات میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است. هریک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که منافع حداکثری خود را در این منطقه تضمین کند. از پایان جنگ جهانی دوم بدین سو، منطقه خاورمیانه از بحرانی‌ترین مناطق در جهان بوده است. ریشه‌یابی جنگ‌ها، منازعات، بحران‌ها و تنش‌هایی که در این منطقه به لحاظ ژئوپلیتیکی مهم جهان بروز یافته، توجه بسیاری از متفکرین و اندیشمندان علم سیاست و نیز روابط بین‌الملل را به خود جلب کرده است. در واقع، مجموعه امنیتی خاورمیانه نمونه بارزی از یک سازه و ساختار کشمکش‌زا است، افزون بر اینکه به‌طور غریبی گسترده و پیچیده و برخی خصایص فرهنگی متمایز را در خود جای‌داده است (Buzan, 2007: 586). در سطح منطقه‌ای، مجموعه امنیتی خاورمیانه با جنگ زاده شده است. استقرار رژیم صهیونیستی باعث بروز اولین منازعه در میان فلسطینی‌ها و مهاجران صهیونیستی در سطح دولت شد و اولین جنگ بین دولتی چندجانبه را در این منطقه باعث گردید. در هر نقطه اوج، بیشتر از بیست دولت که بیشتر آن‌ها به‌طور تقریبی از نظر وزن یکسان بودند، مجموعه امنیتی منطقه‌ای را شکل دادند. از نظر باری بوزان<sup>۱</sup>، الگوهای دوستی و دشمنی منطقه، ماهیتی پیچیده و چندبعدی دارد. در واقع، محرک شکل‌گیری منازعات و الگوهای دوستی و دشمنی در خاورمیانه، منازعات سنتی سرزمینی (اعراب-رژیم صهیونیستی)، رقابت‌های ایدئولوژیک (عربستان و ایران بعد از انقلاب اسلامی)، رقابت بر سر موقعیت و قدرت (ایران و عربستان) و شکاف‌های فرهنگی و قومی (استقلال‌طلبی کردها) بوده است. منازعه بر سر نفت (میان اعراب خلیج فارس و عراق)، آب (بین ترکیه و سوریه) و مذهب (شیعه و سنی) هم با موارد فوق درهم آمیخته است (Buzan, 2009: 102-107).

---

1 Barry Buzan

از دیگر سو، بحران‌ها و کشمکش‌ها در سطح منطقه، انعکاسی از بی‌اعتمادی کشورها نسبت به الگوهای رفتاری یکدیگر است. زمانی که یک بازیگر سیاسی، ادراک تهدیدآمیز نسبت به محیط منطقه داشته باشد، در آن شرایط امکان شکل‌گیری درگیری-های منطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به عبارتی، بی‌اعتمادی از عوامل بنیادین تعارض و بحران منطقه‌ای و تداوم این بحران‌ها در خاورمیانه است (Goodby, 2003: 168). سطح سومی نیز در مورد بروز و تداوم بحران‌ها و منازعات در این منطقه وجود دارد که مربوط به مداخله‌گری قدرت‌های بزرگ است. در واقع، هدف از این نوشتار، بررسی نقش این سطح و به‌ویژه روسیه به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در بحران‌ها و کشمکش‌های مؤثر بر امنیت خاورمیانه است. تحولات ژئوپلیتیکی در حوزه‌های منطقه‌ای بدون توجه به رفتار استراتژیک و نقش سیاسی قدرت‌های بزرگ انجام نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان تأکید داشت که یکی دیگر از نشانه‌های تداوم تضادهای منطقه‌ای مربوط به نقش قدرت‌های بزرگ مداخله‌گر است. تاریخ سیاسی منطقه نشان می‌دهد در این حوزه جغرافیایی، نشانه‌های متعددی از حضور نیروهای نظامی و مجموعه‌های مداخله‌گر بین‌المللی وجود داشته است.

تا جنگ جهانی اول، امپراتوری عثمانی قدرت بانفوذ و مسلط منطقه بود. پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، در سال‌های بین دو جنگ، خاورمیانه زیر سلطه انگلستان و فرانسه قرار گرفت و در واقع این دو قدرت جهانی، خطوط مرزی و سرزمینی دولت‌های منطقه که در واقع بسیاری از منازعات حاضر از آن ناشی می‌شود را ترسیم نمودند؛ اما بروز ضعف آن‌ها در جریان بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ و سپس آهنگ رو به فزونی استعمارزدایی و شکست فرانسه در الجزایر در آغاز دهه ۱۹۶۰، آنان را به بازیگران حاشیه‌ای تنزل داد. پس از آن ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، نورسیده‌هایی بودند که به‌عنوان بازیگر عمده در امنیت منطقه خاورمیانه مطرح شدند. دو ابرقدرت به الگویی از ناآرامی‌های منطقه‌ای کشانده شدند که از گذشته در جریان بود.

آنان در خاورمیانه به دلیل همانندی آن با اروپا و قرار گرفتن در مرز بین حوزه‌های کمونیسیم و جهان آزاد، برای خود نفع زیادی متصور بودند (Buzan, 2002: 649-650).

هر کدام از این قدرت‌ها با توجه به منافع و ملاحظات خود، در شکل دهی، گسترش، تداوم و مدیریت بحران‌ها و منازعات در این منطقه نقش داشته‌اند، بنابراین نمی‌توان این قدرت‌ها را به دلیل فاصله جغرافیایی، جدا از نظم امنیتی خاورمیانه و منازعات مربوط به آن در نظر گرفت. در همین رابطه پاتریک مورگان استدلال می‌کند که کاربرد مجاورت جغرافیایی برای تعیین مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعریفی دقیق به دست نمی‌دهد. این تعریف نمی‌تواند حضور کشورهای خارج از منطقه جغرافیایی که در عین حال نقشی تعیین‌کننده در تعاملات امنیتی مجموعه ایفا می‌نمایند را تبیین نماید (O. Lake and Morgan, 2013: 53)؛ بنابراین، می‌توان قدرت‌های بزرگی مانند روسیه که در پویش‌های امنیتی منطقه خاورمیانه نقش اساسی دارد را جزو ساختار امنیت منطقه‌ای در نظر گرفت. در این پژوهش ابتدا به اختصار به نقش قدرت‌های بزرگ در امور جهانی و مناقشات مربوط به آن پرداخته و نقش این قدرت‌های بزرگ در بحران‌ها و منازعات خاورمیانه بررسی خواهد شد، در ادامه، الگوی رفتاری و مدیریت بحران آن‌ها در منازعات منطقه بررسی و در نهایت نیز با یک مطالعه موردی، به نقش و الگوی رفتاری روسیه به عنوان یکی از دو قدرت بزرگ بین‌المللی در بحران سوریه اشاره خواهد شد. سؤال اصلی تحقیق این است که پاسخ به این سؤال است که سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه چیست؟ برای پاسخ به سؤالات فوق، فرضیه تحقیق بیان می‌دارد که موضوع جنوب غرب آسیا برای رهبران روسیه بیشتر ابزاری برای دستیابی به اهداف عمیق‌تر و عمل‌گرایانه‌تر که در گرو ارتباط و حفظ ثبات رژیم حاکم در سوریه است. به نظر می‌رسد روسیه بعد از فروپاشی و پایان جنگ سرد با خلأ ایدئولوژی و راهبرد بلندمدت در سیاست خارجی مواجه شده و بیشتر به دنبال اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت است. مقاله حاضر از حیث روش جمع‌آوری اطلاعات با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و استفاده از منابعی مانند، کتب، مجلات و فصلنامه‌ها و

وبسایت‌های علمی گردآوری شده و از حیث روش تحلیل از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است.

## مبانی نظری

### مفهوم امنیت منطقه‌ای<sup>۱</sup>

مجموعه تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی که اعضای یک سیستم منطقه‌ای در زمانی خاص آن را به کار می‌برند (Nuroozi, 2006: 144). اگر مفهوم امنیت منطقه‌ای را از نظر ترکیب واژگانی در نظر بگیریم دارای دو واژه «امنیت» و «منطقه» است. هر دو واژه پیچیده است و تعریف قابل قبول مشترکی برای آن‌ها وجود ندارد و شاید بهترین راه برای نزدیک شدن به این موضوعات قیاس و مقایسه است. با توجه به بررسی نظریه‌های موجود فقط تعریفی منطقی می‌توان ارائه کرد که عبارت است از اینکه امنیت منطقه‌ای مجموعه تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی است که اعضای یک نظام منطقه‌ای در زمانی خاص آن‌ها به کار می‌برند؛ بنابراین امنیت یا ناامنی منطقه‌ای می‌توانند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه‌های جمعی به دست آید (Aftekhari, 2002: 266).

### ویژگی‌های امنیت منطقه‌ای

منطقه قسمتی از سطح زمین است که کمابیش دارای ویژگی‌های خاص طبیعی و یا انسانی باشد (Nuroozi, Ibid: 607). واژه منطقه در جغرافیای سیاسی به گونه‌ای تصادفی استفاده نمی‌شود. منطقه یک فضای جغرافیایی را گویند که از یک سلسله پدیده‌های مشابه و عوامل پیونددهنده‌ی اجزای آن محیط، هم از نظر فیزیکی و هم از دید محیط انسانی، برخوردار باشد. یک منطقه در جغرافیا هنگامی قابل تشخیص است و هنگامی از یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه متمایز از دیگر مناطق برخوردار است که عوامل

<sup>1</sup> Regional Security

پیونددهنده‌ی اجزای آن به‌خوبی آشکار و قابل‌شناسایی باشد. از نظر فیزیکی یک منطقه باید محیط یکپارچه‌ای باشد یا دست کم باید از ویژگی‌های مشابهی برخوردار باشد؛ همانند واقع شدن بر گرد یک دریا مانند کشورهای حوزه خلیج فارس. منطقه عبارت است از اتحاد گروهی از کشورها با مقاصد مشترک اقتصادی، سیاسی و دفاعی که ممکن است از لحاظ جغرافیایی پیوسته باشند یا فاقد پیوستگی (Haggett, 1996: 416). یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضای مجموعه نیز کشورهایی هستند که به‌طور گسترده در این روابط حضور دارند (O.Lake and Morgan, Ibid). دیگر ویژگی تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها» است. منظور وی از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌گردد و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوءظن و ترس حاکم باشد. وابستگی متقابل شدید، حضور یا «احساس تهدید و ترس متقابل» میان دو یا چند کشور قدرتمند درون مجموعه، نقش عوامل اقتصادی، وابستگی شدید امنیتی متقابل، الگوهای دوستی و دشمنی، مجاورت، وجود حداقل دو بازیگر مؤثر و استقلال نسبی را به‌عنوان ویژگی‌های تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای برشمرد (Buzan, 1999: 215).

### موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه

خاورمیانه در متون کلاسیک به‌عنوان یک حوزه‌ی جغرافیایی وسیع به‌کاربرده می‌شود که چندین منطقه‌ی مشهور را، که در مطالعات منطقه‌ای به‌مثابه‌ی مناطقی جداگانه محسوب می‌شوند، در خود جای می‌دهد. بخش‌هایی از منطقه‌ی قفقاز، ایران، پاکستان و افغانستان، بخش‌هایی از آسیای میانه، عراق، ترکیه، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، سوریه، لبنان، فلسطین و گاهی مصر نیز در ادبیات رایج به‌عنوان بخشی از این منطقه به کار می‌روند و درواقع مجموعه‌ای از پنج منطقه تلقی می‌شود که در مطالعات

کلاسیک، منطقه‌ای مجزا از هم فرض می‌شوند (Salemi, 2009: 116-137). در برخی منابع، خاورمیانه شامل کشورهای قبرس، سودان، الجزایر، تونس، مراکش و حتی یونان و بلغارستان نیز دانسته شده است (Anderson, 2000: 13-15)؛ اما قلمرو خاورمیانه بر اساس مرزبندی‌های جدید شامل ایران، ترکیه، لبنان، اردن، سوریه، عراق، فلسطین، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس شامل عربستان سعودی، عمان، بحرین، قطر، کویت، امارات متحده عربی، یمن، مصر و لیبی است. خاورمیانه در حدود ۸۸۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و جمعیت آن حدود سیصد میلیون نفر است. سه کشور ایران، ترکیه و مصر ۵۲٪ جمعیت منطقه را در بر گرفته‌اند (Kort, 2008: 10-11). جمعیت خاورمیانه نامتجانس و دارای تنوع فراوان است. به‌طور کلی، ترکیب جمعیتی خاورمیانه از اختلاط بین اقوام و مذاهب مختلف عرب، ترک، فارس، کرد، ارمنی، بربر، یهودی، مسیحی، سنی، شیعه و دروزی تشکیل شده است که عرب‌ها و اهل سنت بیشترین جمعیت را دارند (Ibid: 16-17). می‌توان تقسیم‌بندی منطقه خاورمیانه‌ی با مبنای جغرافیایی به شرح جدول زیر نمایش داد:

### مناطق زیرمجموعه خاورمیانه

نام منطقه جغرافیایی	نام کشورها
غرب آسیا	ایران، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین اشغالی و قفقاز جنوبی شامل ارمنستان، آذربایجان و گرجستان.
جنوب غرب آسیا (جزیره‌العرب)	عربستان سعودی، امارات، کویت، عمان، قطر، یمن و بحرین
شمال آفریقا	مصر و لیبی

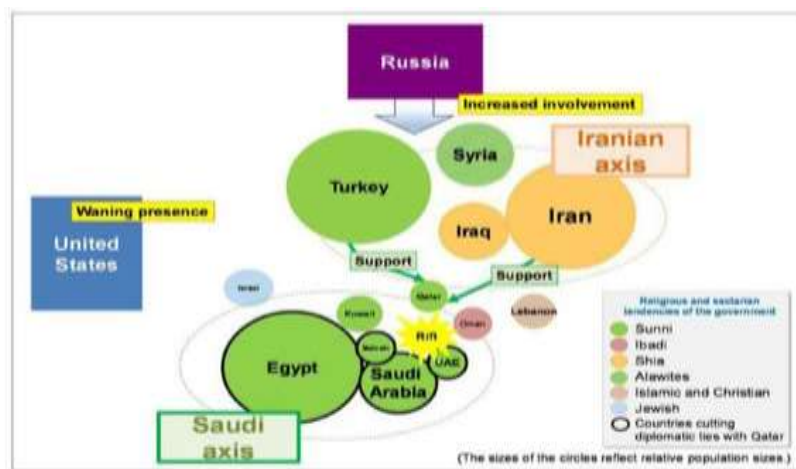
منبع: طرح از نویسنده

منظور نگارنده در این مقاله از واژه «خاورمیانه» پانزده کشور بوده که عبارت‌اند از: اردن، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصر، یمن و فلسطین اشغالی.

خاورمیانه خاستگاه سه دین بزرگ آسمانی یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام است. بیشترین جمعیت خاورمیانه را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اکثر یهودی‌ها ساکن سرزمین‌های اشغالی فلسطین‌اند و در ایران، ترکیه، تونس، سوریه، مغرب و مصر نیز زندگی می‌کنند. مسیحیان هم در لبنان، سوریه، مصر و عراق سکونت دارند (Asposito and A. 182-184: Muqtadrjan, 2003). خاورمیانه در تقاطع سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا، در مجاورت اقیانوس هند قرار گرفته است و پنج دریای مدیترانه، احمر، خزر، سیاه و خلیج فارس در آن واقع شده‌اند. همچنین وجود چهار تنگه بزرگ در میان انشعاب اقیانوس‌ها، بندرها و راه‌های دریایی سبب شده است تا از دیرباز این منطقه به لحاظ تجاری و نظامی اهمیت راهبردی داشته باشد (Drysedale and Blake, 1985: 13). احداث آبراهه سوئز در ۱۸۶۹، اقیانوس اطلس و هند را به یکدیگر متصل کرد. افزون بر این، اکتشاف نفت در خاورمیانه در اوایل دهه ۱۹۲۰ و انتقال و توزیع آن، بر اهمیت راهبردی این منطقه افزود و منازعه و رقابت قدرت‌های بزرگ را در آن تشدید کرد (Kaka, 1986: 165). اندیشه ملی‌گرایی در نیمه دوم قرن نوزدهم به خاورمیانه راه پیدا کرد و منشأ بسیاری از تحولات خاورمیانه گردید. فروپاشی حکومت عثمانی و شکل‌گیری دولت‌های جدید و همچنین تأسیس مدارس جدید و افزایش آگاهی‌های سیاسی، در تقویت ملی‌گرایی در جهان اسلام، به‌ویژه در خاورمیانه، مؤثر بود که به‌طور هم‌زمان سبب پیدایش ملی‌گرایی عرب، ترک، ایرانی و یهودی در این منطقه شد (Drysedale and Blake, Ibid: 57).



## ساختار ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه



این منطقه شامل دو محور اصلی: ۱. ایران، عراق (شیعه)، سوریه به همراه ترکیه و روسیه. ۲. محور عربستان سعودی به همراهی مصر، امارات، کویت و بحرین تحت تأثیر ایالات متحده و همچنین کشورهای لبنان، قطر، عمان و رژیم صهیونیستی با رویکردهایی تقریباً مستقل از این دو محور قابل تفکیک است. بدون شک توازن و ساختار قدرت در حوزه عربی-اسلامی خاورمیانه به نحوی است که هرگونه تغییر و تحول ساختاری در آن ضمن تأثیرات گسترده درون‌حوزه‌ای سبب لرزش‌های ژئوپلیتیکی نوینی در سطوح مختلف بین‌المللی می‌گردد. با وقوع بیداری اسلامی در این منطقه، ضمن متزلزل شدن کرسی‌های قدرت در سایر دول عربی، سبب تضعیف جایگاه و عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی گردیده است، شرایط کنونی حاکی از اضطراب و دگرگونی‌های گسترده در نگرش‌های استراتژیکی قدرت‌های ذی‌نفوذ نسبت به روند و چشم‌انداز تحولات مذکور ناشی از بیداری اسلامی و دگرگونی در سازندهای ژئوپلیتیکی نظام منطقه‌ای است (Rashnoo, 2013: 127).

در مورد بحران‌های منطقه خاورمیانه به‌ویژه چگونگی شکل‌گیری این بحران‌ها و تداوم آن‌ها، رهیافت‌ها و استدلال‌های مختلفی ارائه شده است. به‌طور کلی، زمینه‌های شکل‌گیری و تداوم بحران‌ها در این منطقه را، می‌توان در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای جستجو کرد. در سطح داخلی همواره کشورهای خاورمیانه با محدودیت‌های امنیت اجتماعی و چالش‌های داخلی روبرو بوده‌اند. به‌طور کلی، امنیت در عرصه منطقه‌ای نیازمند زیربنای قوی اجتماعی و ساختاری در سطح داخلی کشورهای منطقه است. شواهد سیاسی و ساختاری خاورمیانه نشان می‌دهد حکومت‌های این منطقه عمدتاً با چالش روبرو بوده و در میان‌مدت، بسیاری از دولت‌ها به شکل بالقوه‌ای با بی‌ثباتی ناشی از بحران جانشینی مواجه خواهند بود. در واقع، بی‌ثباتی سیاسی داخلی در بسیاری از مواقع، مخاطرات امنیتی ایجاد می‌کند. واحدهایی که در فضای ناپایدار سیاسی قرار می‌گیرند، تلاش می‌کنند مشکلات و مخاطرات امنیتی خود را از طریق مختلفی که زمینه‌های منازعات و بحران‌های داخلی و منطقه‌ای را فراهم می‌آورند، ترمیم کنند. این امر به مفهوم آن است که اقتدارگرایی حکومت‌های خاورمیانه با نظامی‌گری پیوند یافته و هردوی آن‌ها عامل تعارض‌ها و بحران‌ها در منطقه هستند (Mossalanejad, 2009: 198-199).

### خاورمیانه خوشه تمرکز مناطق حیاتی

مناطق حیاتی به دو قسم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم می‌شوند، می‌توان این گزاره را اثبات نمود که بسیاری از مناطق حیاتی دنیا در منطقه خاورمیانه قرار دارند. مناطق بسیار مهمی چون کانال سوئز، باب‌المندب، تنگه هرمز، جبل‌الطارق، بسفر، داردانل و جولان و همچنین شهرها و اماکن الهام‌بخشی چون مکه، مدینه، عتبات عالیات عراق، بیت‌المقدس، استانبول، کرکوک، در جوار یا داخل کشورهای اسلامی خاورمیانه قرار دارند. سه منطقه بصره، خوزستان و قواره (در شرق عربستان)، قریب به ۲۵۰ میلیارد بشکه یعنی ۱۰ برابر ایالات متحده نفت مرغوب دارند، شهر بیت‌المقدس، وجدان دینی ادیان مؤثری چون اسلام، یهودیت و مسیحیت را تشکیل می‌دهد (Nasri, 2014: 28).

## موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی سوریه

جمهوری عربی سوریه کشوری در خاورمیانه و در کنار سواحل شرقی دریای مدیترانه است. حزب حاکم این کشور، حزب سوسیالیست بعث است. این کشور از سمت شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از غرب با لبنان و از جنوب غربی با رژیم صهیونیستی و از غرب با دریای مدیترانه و از جنوب با اردن و فلسطین همسایه است. دمشق پایتخت سوریه و حلب بزرگ‌ترین شهر آن است. موقعیت سوریه در خاورمیانه و ساحل شرقی مدیترانه در طول تاریخ جایگاهی استراتژیک به این کشور بخشیده است. جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ آغاز شده و موجب ویرانی‌ها و ناامنی‌های گسترده در این کشور شده است. این کشور در گذشته شام نامیده می‌شد. نام کنونی سوریه را فرانسویان پس از فروپاشی عثمانی و مستعمره نمودن این کشور از روی تاریخ کهن این بخش از جهان و آشوریان باستانی بر این سرزمین نهادند (Roohani, 2009: 3). در تحلیل ژئوپلیتیکی این کشور باید گفت که این کشور در یک موقعیت استراتژیک حساس قرار گرفته است که از رهگذر این موقعیت مهم، هم فواید و امتیازاتی نصیبش شده و هم دچار آسیب‌هایی گردیده است. از یک سو در موقعیت ارتباطی بین سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا قرار گرفته که محل مناسبی برای ارتباطات اقتصادی، تجاری و فرهنگی بین سه قاره باشد و از سوی دیگر، همسایگی آن با رژیم صهیونیستی و آسیب‌پذیری آن در برابر تجاوزات مکرر آن رژیم، از آن منطقه-ای ناامن و بی‌ثبات ساخته است (Ibid). سوریه کشور پیچیده‌ای در منطقه است که اقوام و مذاهب گوناگون را در خود جای داده است و از نظر مذهبی حدود ۷۴٪ جمعیت سوریه را مسلمانان سنی، ۱۳٪ علویان، شیعیان دوازده‌امامی و اسماعیلیان، ۱۰٪ مسیحی و ۳٪ دروزی تشکیل می‌دهند. از نظر قومیتی هم اعراب بیش از ۹۰٪ جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند در حالی که کردها حدود ۹٪ جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. ارمنه، ترک‌ها، چرکس‌ها و یهودیان مجموعاً کمتر از ۱٪ جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند.

### رتبه‌بندی قدرت کشورهای منطقه خاورمیانه

عوامل هفتگانه سنجش قدرت ملی کشورها شامل عناصر اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سرزمینی، حکومتی - سیاسی، اجتماعی، علمی و فناوریانه است (Afshordi, 2009: 120). ساختار نظام منطقه‌ای در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه از ساختار جغرافیایی مربوط به آن تأثیر گرفته است. بر این اساس در هر دو حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و دریای مدیترانه که از کالبد و ساختار منسجم جغرافیایی برخوردارند، نظام منطقه‌ای یکپارچه وجود دارد. بر اساس این بررسی، در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه، سطوح قدرت به شرح ذیل است: در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس، کشور ایران به‌عنوان قدرت درجه اول و کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق، کویت، عمان، قطر و بحرین به ترتیب در جایگاه‌های بعدی سطوح قدرت، قرار دارند. در حوزه ژئوپلیتیک مدیترانه، کشور ترکیه در رأس هرم قدرت و کشورهای مصر، فلسطین اشغالی، سوریه، یمن، لبنان و اردن در سطوح پایین تر جای می‌گیرند.

#### رتبه‌بندی کشورهای برتر خاورمیانه بر اساس عوامل هفتگانه قدرت ملی (مدل فوکس)

ردیف	نام کشور	جمع امتیازات	عوامل اقتصادی	عوامل نظامی	عوامل فرهنگی	عوامل سرزمینی	عوامل حکومتی	عوامل اجتماعی	عوامل علمی
۱	ایران	۲۲۴۶/۲۴	۹۱۰	۶۱۴/۱۵	۱۴۵/۸۵	۱۲۱/۸۷	۱۲۲/۵۲	۸۶/۳۸	۱۱/۲۴۵
۲	ترکیه	۱۳۳۸/۱۷	۴۷۷	۲۹۳/۵۲	۱۵۰/۶۷	۱۲۴/۹۹	۳۹/۹۵	۸۹/۴۲	۱۶۲/۵
۳	عربستان	۱۲۹۰/۱۱	۶۸۸	۲۳۷/۵۷	۱۳۳/۷۷	۶۳/۴۵	۶۹/۱۵	۷۳/۱۶	۳۵/۰۱

منبع: (Afshordi and Madani, 2009: 136)

رتبه‌بندی جدیدتر قدرت ملی در منطقه خاورمیانه بر اساس تلفیق سه روش SAW, TOPSIS, ELECTRE به ترتیب عبارت‌اند از: ترکیه و ایران در سطح اول؛ رژیم صهیونیستی، عربستان و مصر در سطح دوم و سایر کشورهای منطقه در سطح سوم می‌باشند.

در کل می‌توان گفت، ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه بیشتر متأثر از دو عامل جغرافیایی و خواست قدرت‌های فرا منطقه‌ای شکل گرفته است. قدرت‌های درجه اول و دوم شامل کشورهایی با بیشترین وسعت و جمعیت در منطقه می‌باشند. البته به‌استثنای رژیم صهیونیستی، چراکه این رژیم به خواست و حمایت قدرت‌های فرا منطقه‌ای تشکیل و تقویت شده است. از سوی دیگر کشورهایی چون عراق، سوریه و یمن، با وجود وسعت و جمعیت قابل توجه در منطقه، به دلیل دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، دچار تفرقه، نزاع و جنگ‌های داخلی و درنهایت تضعیف قدرت ملی آن‌ها گشته و در حال حاضر جزء قدرت‌های درجه سوم منطقه محسوب می‌گردند (Pishgahi Fard, 2014:42)

### الگوی رفتاری روسیه در مدیریت بحران‌های خاورمیانه

نمی‌توان گفت که روسیه راهبرد بلندمدتی در منطقه خاورمیانه دارد. این کشور عنصر مهم ایدئولوژیک را در خط‌مشی سیاست خارجی خود از دست داده و مشخصاً رویکرد جایگزینی را به شرکای خود در منطقه پیشنهاد نمی‌دهد؛ بنابراین صحیح‌تر این است که از اصول سیاست خارجی روسیه صحبت کنیم که در میان آن‌ها سه مورد اصلی را می‌توان مشخص کرد: عمل‌گرایی، فرصت‌طلبی و عدم تمایل برای به هم زدن روابط خود با هر بازیگری در منطقه. از این منظر مسکو برای همکاری با هر یک از دولت‌های منطقه، صرف‌نظر از اینکه مواضع سیاسی آن‌ها در موضوعات کلیدی سیاست خاورمیانه چیست و تا حدی که این امر به وخامت در روابط مسکو با دیگر بازیگران منطقه منجر نشود علاقه‌مند است. در دوران جنگ سرد رفتار ابرقدرت‌ها در وضعیت طبیعی یا غیرطبیعی یا غیر بحرانی نظام بین‌الملل، تهاجمی، غیرمسئولانه، منفعت‌طلبانه و بر مبنای تعهد جدی به دفاع از متحدان منطقه‌ای خلاصه می‌شد؛ اما در وضعیت بحرانی، ترس از رویارویی، تصاعدی شدن بحران و سرانجام جنگ هسته‌ای، رفتار ابرقدرت‌ها تغییر پیدا می‌کرد و به صورت خویش‌داری نمود پیدا می‌کرد. دو ابرقدرت در طی بحران‌های خاورمیانه نقش موازنه دهنده را بازی می‌کردند و به‌صورت ضمنی در خصوص جلوگیری از سقوط

حکومت‌های منطقه اعم از متحد و غیر متحد توافق کرده بودند (Miller, 1997: 76). همکاری بین دو ابرقدرت برای تضمین عدم تشدید مناقشه منطقه‌ای و تبدیل نشدن آن به وضعیت غیرقابل کنترل، در همین چارچوب صورت می‌گرفت. هیچ‌یک از دو ابرقدرت اجازه نمی‌دادند که یک متحد رقیب رژیم، یکی از متحدان آن را سرنگون کرده یا ثبات آن را تهدید نماید (O.Lake and Morgan, 2013: 379-378).

### منافع و نقش آفرینی روسیه در تحولات خاورمیانه

پس از فروپاشی شوروی دو دیدگاه، آتلانتیک‌گرایان و اوراسیاگرایان در روسیه مطرح شدند. در دوره اول بر لزوم همکاری همه‌جانبه با غرب به‌خصوص آمریکا تأکید شد، به این ترتیب در طی این سال‌ها، خاورمیانه در نگاه آتلانتیک‌گرایان جایگاه مهمی را در سیاست خارجی روسیه، دارا نبود. از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ حدود ۹۴ درصد از میزان توافق‌های نظامی روسیه با کشورهای خاورمیانه از جمله عراق، سوریه، لیبی کاسته شد و اما در دوره اوراسیاگرایان، توجه به خاورمیانه رشد پیدا کرد (Koolaee, 2009: 77). در دوره پوتین سعی شد با توجه به رویکرد عمل‌گرایانه وی، توجه به شرق و غرب به‌طور هم‌زمان صورت گیرد. پوتین ضمن توجه به محدودیت امکانات در سیاست خارجی، به این درک رسیده بود که باید از وضعیت موجود تا حدودی حمایت کند تا زمینه درگیری و هدر رفتن منابع فراهم نشود. اما در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین شاهد اتخاذ رویکرد عمل‌گرایی تهاجمی، به علت بهبود وضعیت اقتصادی روسیه بودیم. سیاست پوتین در دوره اول ریاست جمهوری‌اش با توجه به همان شرایط ضعف اقتصادی حاکم بر جامعه روسیه اتخاذ می‌شد. در زمان حمله آمریکا به عراق و افغانستان برای مقابله با تروریسم ما شاهد سردرگمی در سیاست خارجی روسیه بودیم در ابتدا پوتین به همراهی از سیاست‌های آمریکا برای مقابله با تروریسم پرداخت و در مرحله بعد عقب‌نشینی کرد. در واقع روسیه مخالف حمله آمریکا به عراق که یکی از سنتی‌ترین متحدان روسیه بود، پرداخت، اما با توجه به سیاست حفظ وضع موجود تلاش کرد از ورود به یک چالش با آمریکا و غرب

که برای روسیه هزینه‌بردار بود، بپرهیزد. در کل در هر مقطعی، روسیه به شیوه‌ای خاص تحولات خاورمیانه را دنبال کرده و برحسب قدرت واقعی خود در منطقه نقش آفرینی کرده است (Adami; Akharaldin, 2013: 53). روسیه منافع متعددی را در خاورمیانه پیگیری می‌کند، از جمله این منافع، منافع اقتصادی است. پوتین با آگاهی از ضعف اقتصادی روسیه، تلاش کرد که به اقتصادی کردن سیاست خارجی روسیه بپردازد و دیپلماسی اقتصادی را به‌طور جدی دنبال کند. در حقیقت روسیه نه تنها مایل به توسعه بازار فروش تسلیحات در خاورمیانه است بلکه می‌کوشد در بخش انرژی این کشورها نیز نقش داشته باشد. با توجه به آمار ارائه‌شده، خاورمیانه تا سال ۲۰۰۳ سومین بازار بزرگ روسیه در فروش تسلیحات است (Koolae; Nouri, 2010: 222).

از نظر امنیتی نیز منطقه خاورمیانه دارای اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه است. پس از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری کشورهای جدید در مرزهای جنوبی روسیه که قریب به بیست میلیون نفر از این جمعیت مسلمان هستند. با اتفاقاتی که پس از فروپاشی شوروی در برخی از قسمت‌های مسلمان‌نشین روسیه رخ داد، از جمله جنگ‌های روسیه با چچن، باعث گسترش بدبینی در بین مسلمانان شد و وجود این بحران‌ها و حوادث، باعث نگرانی این کشور شد و کوشید تا از رهگذر نزدیکی با کشورهای مسلمان و عربی در منطقه خاورمیانه شود. از طرفی روسیه از گسترش افراط‌گرایی مذهبی به مناطق تحت نفوذ خود بیم دارد، به همین دلیل در پی ایجاد ثبات در این منطقه است و می‌کوشد که روابط متوازنی را با کشورهای این منطقه داشته باشد. روسیه خواهان ایجاد آرامش و صلح در منطقه خاورمیانه است و به این علت از طرح نقشه راه در خاورمیانه حمایت می‌کند، زیرا از این طریق می‌تواند جایگاه خود را در منطقه تقویت کند (Mousavi, 2006: 16-18).

سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در منطقه خاورمیانه برای روسیه دارای اهمیت است. از این جنبه باید به روابط روسیه با آمریکا توجه شود. در حقیقت حضور روسیه در خاورمیانه به میزان حضور آمریکا در منطقه پیرامونی و حیاط‌خلوت روسیه بستگی دارد.

درواقع نزدیکی آمریکا با برخی کشورهای جنوبی روسیه از جمله گرجستان باعث تحکیم روابط روسیه با برخی از کشورها در منطقه خاورمیانه از جمله سوریه و ایران و حتی دولت جدید فلسطینی به رهبری حماس می‌شود (kayani, 2007: 368). از طرفی روسیه قدرتی عمل‌گرا در خاورمیانه است، به این معنا که برخلاف آمریکا این کشور سعی دارد با همه طرف‌های درگیر در منطقه روابط سیاسی و اقتصادی حسنه‌ای داشته باشد. اگرچه این سیاست می‌تواند پویایی سیاست خارجی روسیه را نشان دهد اما از طرف دیگر می‌تواند نقطه‌ضعفی برای این کشور تلقی شده و به فقدان یک نگاه استراتژیک و بلندمدت نسبت به خاورمیانه و نظم آینده آن در روسیه نسبت داده شود (Keramatinya, 2017).

### روسیه و بحران سوریه

روس‌ها به نسبت اینکه بحران در چه منطقه‌ای از دنیا رخ داده باشد و اینکه این منطقه چه اهمیتی برای آن‌ها داشته باشد از خود واکنش‌های متفاوتی بروز می‌دهند. چنانچه بحران در به اصطلاح حیات خلوت یا خارج نزدیک این کشور رخ داده باشد، معمولاً باید انتظار واکنش شدید و تهاجمی از روسیه را داشت و غالباً این مناطق برای روسیه از اهمیت استراتژیکی زیادی برخوردار می‌باشند و با امنیت وجودی روسیه پیوند وثیقی دارند (مانند بحران کریمه). در صورت وقوع بحران در کشوری مانند سوریه معمولاً تأکید روس‌ها بر مدیریت نرم، چندجانبه‌گرایی<sup>۱</sup>، عدم استفاده از ابزار زور فراگیر و به‌طور کلی از طرق سیاسی - دیپلماتیک است. مسئله‌ای که در بحران سوریه و اقدامات روسیه جهت مدیریت بحران در این کشور، مشهود است.

برژینسکی، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا، استدلال کرده است که: «اینک بازی دیگری در خاورمیانه در جریان است که روسیه و چین نهایتاً قادرند نقش مؤثری در مدیریت کشمکش‌ها و درگیری‌ها را بر عهده بگیرند». البته ذکر این نکته نیز ضروری است که روس‌ها به فراخور وضعیت اقتصادی و توانایی نظامی امکان انجام حملات کوتاه‌مدت

<sup>1</sup> Multilateralism



با دامنه نسبتاً کم رادارند. سؤال مهمی که به ذهن متبادر می‌شود اینکه روسیه به چه طریقی در مسئله سوریه اقدام به مدیریت بحران کرده است؟ باید بیان داشت روسیه مجموعه راهکارهایی را جهت انجام این مهم به کار بسته که دال مرکزی آن تأکید بر جنبه‌های نرم-افزایی مدیریت بحران بوده است و هم‌زمان از ابزارها و فنون دیگری به‌عنوان اهرم مکملی برای این نوع از مدیریت بحران بهره برده است. نکته مهم این است که ابزارهای فوق جملگی جهت کمک به ایده اصلی که همان تأکید بر مدیریت غیر خشن و نرم‌افزایی و چندجانبه بحران است، مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

طبق نظر «برچر» در مورد بحران‌های بین‌المللی، هدف اصلی روسیه از مدیریت بحران سوریه سوق دادن مناقشه از خشونت به چانه‌زنی مسالمت‌آمیز و از مذاکره به سوی توافق قابل قبول برای طرفین است. به سخن دیگر تأکید بر راه‌حل‌های سیاسی دیپلماتیک چندجانبه و میانجی‌گری مدیریت بحران بوده است و این بدین معنی نیست که روسیه از ابزارهای سخت‌افزایی بهره نبرده باشد، بلکه روسیه کمک‌های تسلیحاتی، لجستیکی و مشاوره‌های نظامی نیز به رژیم حاکم جهت تقویت توان این رژیم و نهایتاً کمک به نوع مدیریت مسکو داشته است و با توجه به حاکم بودن اصل عدم قطعیت و نامعلومی بر بحران، امکان حملات کوتاه‌مدت هوایی به برخی مواضع تروریست‌ها محتمل است که البته نمی‌توان برای بلندمدت روی این حملات حساب باز کرد، چراکه پتانسیل روسیه و امکان توافق بین روسیه و آمریکا اجازه میدان‌داری هوایی را به مسکو نخواهد داد. نکته درخور تأمل دیگر اینکه سوریه تا جایی برای مسکو اهمیت دارد که مداخله گسترده نظامی باهدف مدیریت بحران سوریه جهت حفظ بشار اسد با واقعیات تاریخ سیاسی روسیه در سطح رفتاری مطابقت ندارد؛ بنابراین روسیه در بحران سوریه مدل مدیریت بحران نرم-افزایی را برگزیده است (Razavi, 2003: 535).

## پنج طریق مدیریت بحران توسط روسیه در سوریه

در ابتدای بحران سوریه، روسیه نگاهی خنثی به سوریه داشت. با شدت گرفتن بحران در سوریه و مشخص شدن صف‌بندی‌ها در درون این کشور، روسیه کوشید تا نقش میانجی‌گری را در مقابل کشورهای دیگر بازی کند. در این رابطه، روسیه تلاش کرد نقش بین‌المللی خود را افزایش دهد و در دوره‌ای نیز میزبان مخالفان سوریه بود و در اجلاس‌های بین‌المللی شرکت می‌کرد؛ اما با مشخص شدن صف‌بندی‌ها در سوریه و حاد شدن شرایط در این کشور که حاصل دخالت‌های محور غربی - عربی - عبری بود، روسیه کوشید تا در کنار چین و ایران به ایفای نقش پررنگ‌تری در صحنه تحولات سوریه بپردازد. پس از طرح حمله شیمیایی در سوریه، موضوع از حساسیت بالایی برخوردار شد و روسیه موضع‌گیری‌هایی محکم‌تر نسبت به دوره‌های قبل ایراد کرد. از این زمان به بعد که موضوع حمله نظامی به سوریه به‌طور جدی مطرح شد، مسکو با اتخاذ مواضع مقتدرانه‌تری در مقابل غربی‌ها ایستادگی کرد و به وتوی قطعنامه‌های ضد سوری در شورای امنیت پرداخت. روس‌ها در اقدام بعدی با پیشنهاد طرح خلع سلاح شیمیایی دمشق، البته در کنار نقش‌آفرینی ایران و حزب‌الله لبنان و... مانع از اقدام نظامی علیه سوریه شدند (Najafi, 2015: 14-16). به‌طور کل پنج طریقه مدیریت بحران عبارت است از:

- مدیریت سیاسی و دیپلماتیک بحران؛ (تلاش در برگزاری مذاکرات ژنو یک و دو، وتوی قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت، برگزاری نشست‌های مسکو در حمایت از سوریه)
- کمک‌های نظامی، تسلیحاتی و اطلاعاتی
- حمایت‌های مالی و اقتصادی از دولت
- حمایت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی
- حملات هوایی کوتاه‌مدت (Fatthi and others, 2016: 38).

## منافع روسیه در کنترل بحران سوریه تجارت اسلحه

با توجه به آخرین اطلاعات به دست آمده از «انسیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم»<sup>۱</sup> (هر پنج سال یک‌بار منتشر می‌شود) در سال ۲۰۱۶ حجم صادرات بین‌المللی اسلحه از سال ۱۹۹۵ تاکنون به بالاترین میزان خود رسیده است. در این سال، صادرات جهانی اسلحه حدود ۳۱ میلیارد دلار برآورد شده است. در نموداری که این موسسه منتشر کرده، صادرات اسلحه در دوره‌های ۵ ساله از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۶، مورد ارزیابی قرار گرفته که مجموع کل هزینه صادرات اسلحه از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۶، در حدود ۱,۲ هزار میلیارد دلار برآورد شده است.

شکل ۱: آمار صادرات جهانی سلاح

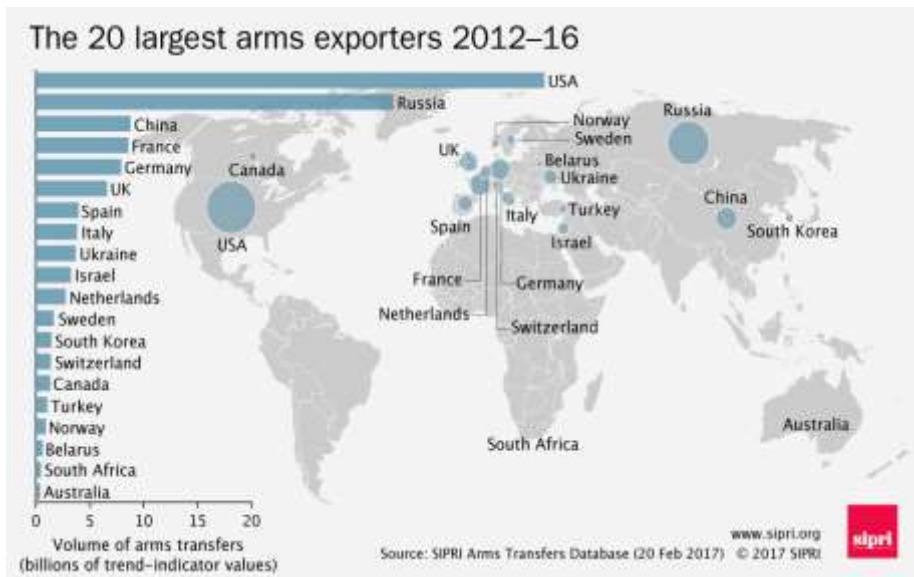


منبع (SIPR:2016)

در سال ۱۹۷۵ صادرات جهانی اسلحه، ۳۷,۴ میلیارد دلار بوده است. این مبلغ در سال ۲۰۱۶ به ۳۱ میلیارد دلار کاهش یافت. هرچند این رقم، کاهش صادرات اسلحه را

<sup>۱</sup>Stockholm International Peace Research Institute( SIPRI )

نشان می‌دهد اما باید توجه داشت که از سال ۱۹۹۷ تاکنون، بیشترین صادرات اسلحه در سال ۲۰۱۶، گزارش شده است. صادرات اسلحه در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷، در حدود ۴٫۸ درصد نسبت به بررسی‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ افزایش داشته است.



منبع: (SIPRI, 2017)

ایالات متحده و روسیه بیش از نیمی از سلاح‌های اصلی جهان را صادر می‌کنند. ایالات متحده همچنان بر صادرات عمده اسلحه تسلط دارد، ۳۳٪ از کل صادرات عمده اسلحه و تأمین اسلحه به ۱۰۳ واردکننده سلاح در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ را به خود اختصاص داده است. روسیه دومین صادرکننده بزرگ جهان بود که ۲۳٪ از کل صادرات عمده سلاح را به خود اختصاص داد. این شرکت به ۵۱ دریافت‌کننده اسلحه در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ سلاح صادر نموده که ۷۰ درصد صادرات آن به چهار کشور هند، ویتنام، چین و الجزایر انجام شد و حدود ۹۴ درصد تسلیحات وارداتی کشور سوریه توسط روس‌ها تأمین می‌گردد. چین سومین صادرکننده بزرگ سلاح‌های مهم جهان در سال‌های

۱۶-۲۰۱۲ بود که آلمان، فرانسه و انگلیس را پشت سر گذاشت، همه کشورهای که صادرات بیشتری در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷ داشتند. صادرات چین در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ در مقایسه با ۲۰۱۱-۲۰۰۷ با ۷۴٪ افزایش، درحالی که صادرات فرانسه و آلمان به ترتیب ۵٪ و ۳۶٪ کاهش یافته و صادرات انگلیس نیز ۲۷٪ افزایش یافته است.

### پنج صادرکننده بزرگ سلاح جهان و مشتریان اصلی آن‌ها، ۲۰۱۳ - ۲۰۱۷

صادر کننده سلاح	سهم از صادرات جهانی سلاح (درصد)	تغییرات	اصلی ترین مقاصد صادراتی (درصد) ۲۰۱۷-۲۰۱۳
		۲۰۰۸-۱۲	
		به ۲۰۱۳-۱۷	اولین
آمریکا	۳۴	۳۰	عربستان (۱۸)
روسیه	۲۳	۲۶	هند (۳۵)
فرانسه	۶,۷	۵,۸	مصر (۲۵)
آلمان	۵,۸	۷,۴	کره جنوبی (۱۴)
چین	۵,۷	۴,۶	پاکستان (۳۵)
			بنگلادش (۱۹)
			الجزایر (۱۰)
			استرالیا (۶,۷)
			ویتنام (۱۰)
			هند (۸,۵)
			اسرائیل (۸,۷)

۷۴ درصد صادرات سلاح در سال‌های ۱۷-۲۰۱۳ در اختیار پنج کشور آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان و چین است که ۲۲ درصد آن مختص روسیه است (SIPRI:2018). بدین ترتیب می‌توان گفت که روسیه جایگاهی پیشتاز در میان صادرکنندگان محصولات نظامی در جهان و افزایش همکاری نظامی - فنی با شرکای خارجی خود (از جمله سوریه) است. روسیه همکاری مداوم خود را با ۸۰ کشور جهان حفظ خواهد کرد. این ثبات نتیجه حمایت مالی و اعتباری بهنگام از تولیدکنندگان تسلیحات و سایر تلاش‌های دولت روسیه برای توسعه این حوزه است (Mehr News Agency, 2017).

روسیه از فروش تسلیحات به کشورهایمانند سوریه از چند جهت سود می‌برد. نخست در بازار جهانی تجارت تسلیحات می‌تواند به منافع مادی قابل توجهی دست یابد؛ از سوی دیگر، می‌تواند در رقابت با دیگر فروشندگان اسلحه همواره خریدارانی برای محصولات خود داشته باشد و از همه مهم‌تر فروش تسلیحات یک اثر مهم و بسیار تأثیرگذار دارد و آن وابستگی نظامی و به تبع آن وابستگی سایر بخش‌های کشور خریدار به روسیه است. در وضعیتی که بخش عمده تسلیحات سوریه، روسی است طبیعتاً این وابستگی نظامی می‌تواند موجب وابستگی سیاسی هم شود. روسیه از سوریه حمایت می‌کند زیرا نمی‌خواهد در بازار پررونق تجارت اسلحه این خریدار مهم را از دست دهد، حداقل تجارب قبلی هم چون عراق و لیبی به‌خوبی نشان داده است که تغییر رژیم با دخالت آمریکا در کنار آثار و تبعات مختلف خود می‌تواند کشورهای خریدار اسلحه روسی را به سمت آمریکا و غرب سوق دهد. بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ تجارت اسلحه بین سوریه و اتحاد جماهیر شوروی حداقل به ۳۴ میلیارد دلار رسید و اتحاد جماهیر شوروی اصلی‌ترین منبع تأمین تسلیحات و آموزش نظامی برای سوریه بود. اگرچه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا مدتی خرید تسلیحاتی سوریه از روسیه به‌شدت کاهش یافت ولی از سال ۲۰۰۵ با تصمیم پوتین، دوباره روسیه به فروشنده اصلی تسلیحات به سوریه تبدیل شد. بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ حدود ۷۸ درصد کل تسلیحات منتقل شده به سوریه، از روسیه بوده است و مابقی نیز از دیگر متحدان و شرکای روسیه همچون بلاروس سهم ۱۷ درصدی از کل خریدهای تسلیحاتی سوریه را به خود اختصاص داده‌اند. البته سهم سوریه از کل تجارت اسلحه روسیه چندان وزن و ارزش مادی ندارد (برزگر، ۱۳۹۲: ۷۲). مجله تایم به نقل از آناتولی ازیاکین مدیرمسئول شرکت روزوبورون اکسپورت که از دوستان قدیمی پوتین و افسر سابق سازمان اطلاعاتی روسیه است بیان می‌دارد که همه تلاش‌ها برای متوقف کردن فروش سلاح روسیه به سوریه چیزی جز یک رقابت ناعادلانه نیست زیرا اگر روسیه بازار معینی را از دست بدهد این به‌طور خودکار به

معنای پیروزی رقبا خواهد بود و چه‌بسا این وضعیت در مورد سوریه صدق خواهد کرد، اگر ما عقب‌نشینی کنیم (FA.ALALAMTV, 1391).

### جلوگیری از تکرار دوباره سناریوی لیبی

در مسئله انقلاب مردمی لیبی، شورای امنیت سازمان با تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع در این کشور، راه را برای اقدام نظامی آمریکا، فرانسه، انگلیس و متحدان فراهم کرد. از میان اعضای دائمی شورای امنیت، روسیه همراه با چین به این قطعنامه رأی ممتنع دادند. در نگاه اول شاید به نظر برسد که رأی ممتنع روسیه حاکی از نارضایتی مسکو از ایجاد منطقه پرواز ممنوع و مداخله نظامی در لیبی باشد اما با رجوع به سوابق و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی روسیه می‌توانیم نتیجه بگیریم که این رأی ممتنع روسیه ارزشی به‌اندازه رأی مثبت داشته است. این موضوع تحولی در سیاست خارجی روسیه به حساب می‌آید (Shokoochi, 2011; 18). روسیه با توجه به عدم مداخله مستقیم در بحران لیبی و انفعال سیاسی در آن مقطع، از تبعات حوادث به وجود آمده نارضی و متضرر شده و با توجه به تجربه فوق در موضوع سوریه با جدیت بیشتری وارد عمل شده و چندین مرحله قطعنامه‌های شورای امنیت را وتو کرده، از ایجاد منطقه پرواز ممنوع و با ورود نیروهای نظامی بین‌المللی به سوریه مخالفت نمود (Ibid).

### تقویت جایگاه بین‌المللی روسیه

با بررسی مؤلفه‌هایی که بهره‌مندی از آن‌ها می‌تواند کشوری را به‌عنوان یک قدرت جهانی مطرح کند، اساساً روسیه از جنبه قدرت نرم در وضعیت ضعیفی قرار دارد. با پایان تقابل ایدئولوژیک سوسیالیسم در برابر سرمایه‌داری و با پذیرش معیارهای غربی توسعه روسیه که در دوران شوروی به‌عنوان مبلغ گفتمانی رقیب در برابر آمریکا قرار داشت اکنون به یکی از کشورهای تبدیل شده است که برای پیشبرد اهداف خود به گفتمانی تکیه می‌کند که آمریکا در رأس آن قرار دارد، قدرت روسیه اعم از اقتصاد، نهادسازی، قدرت

رسانه‌ای، فناوری و سایر عناصر قدرت ساز جملگی حاکی از آن است که حضور نظامی روسیه در مناطق استراتژیک جهان را نمی‌توان به‌عنوان رقیب در حال ظهور برای آمریکا در نظر گرفت. بلکه روسیه با توجه به شرایط خود در صورت تقابل با ایالات متحده تنها بخش زیادی از منابع خود را در جدالی بی‌ثمر هدر خواهد داد. روابط آمریکا و روسیه در دوران پس از روی کار آمدن مدودف و اوپاما حاکی از آن است که دو طرف به‌خصوص روسیه به درک بهتری از شرایط خود و جهان دست‌یافته است و تلاش می‌کند به‌جای گام تخاصم، در راه همکاری گام بردارد و آمریکا نیز نشان داده که حاضر است روسیه را به‌عنوان شریکی قابل احترام بپذیرد (Ibid: 19).

### حفظ سوریه به‌عنوان پایگاه استراتژیک

روابط روسیه و سوریه می‌تواند موقعیت مناسبی را برای دسترسی پایگاه‌های استراتژیک فراهم سازد از جمله:

#### پایگاه دریایی طرطوس

در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱ روسیه موافقت‌نامه بهره‌برداری ۴۹ ساله از پایگاه دریایی طرطوس سوریه را در چارچوب همکاری دفاعی با این کشور امضا کرد. بر پایه این توافق نیروی دریایی این کشور اجازه گسترش و تجهیز پایگاه دریایی طرطوس را برای استقرار ناوهای بزرگ دارد. مطابق مفاد قرارداد، اگر یکی از طرف‌های امضاکننده پیش از پایان مدت ۴۹ ساله با تمدید آن مخالفت نکند، این سند خودکار برای ۲۵ سال دیگر اعتبار می‌یابد. مطابق توافق، روسیه محافظت از مرزهای دریایی پایگاه طرطوس و محدوده ساحلی سوریه را بر عهده دارد و همچنین اجازه استقرار هر نوع تسلیحات و تجهیزات دفاعی و ارائه خدمات به ناوهای خود را کسب کرده است. این تدابیر هم‌زمان با برنامه آمریکا و انگلیس برای افزایش حضور نظامی در دریای مدیترانه صورت می‌گیرد (Eghtesadonline. Ir; 3160947).



## پایگاه دائمی هوایی حمیمیم<sup>۱</sup>

رئیس‌جمهور روسیه در تاریخ ۱۴ اکتبر ۲۰۱۶ مصوبه پارلمانی دائمی شدن و گسترش پایگاه نیروی هوافضای این کشور در حمیمیم در استان لاذقیه سوریه را امضا کرد. بر اساس این تائید، وزارت دفاع روسیه مأمور شد تا برنامه استفاده بلندمدت از این پایگاه را که محل استقرار یگان نیروی هوافضای این کشور برای اجرای عملیات ضد تروریستی با همکاری ارتش سوریه است، آماده کند. مجالس دوما و شورای فدراسیون روسیه با اکثریت آرا طرح وزارت دفاع این کشور برای استفاده بلندمدت نظامیان روسی از این پایگاه را تصویب کرده‌اند. این تصمیم پس از استقرار مجموعه سامانه دفاعی اس ۳۰۰ روسیه در پایگاه طرطوس اعلام شده است که افزون بر تأمین امنیت نیروهای این کشور، از یگان‌های ارتش سوریه در برابر حمله‌های هوایی ائتلاف آمریکایی ضد سوری حفاظت می‌کند. در موافقت‌نامه امضاشده بین دمشق و مسکو قیدشده است که یگان هوافضای روسیه در سوریه به درخواست طرف سوری در پایگاه هوایی حمیمیم مستقر می‌شود. به کارگیری گروه هوافضای روسیه در سوریه مطابق تصمیم فرماندهی آن با جلب موافقت مقام‌های دولت این کشور انجام می‌گیرد. حمیمیم به پناهگاه‌های مستحکم استقرار هواپیماهای نظامی و تجهیزات پیشرفته این کشور مجهز خواهد شد.

آمریکا در حدود دو هزار نیرو در سوریه دارد که بخش عمده آن‌ها در شمال سوریه حضور دارند و با شبه‌نظامیان گُرد «قسد» همکاری می‌کنند. بخش دیگری از نیروهای آمریکایی در پایگاه «التنف» واقع در منطقه تلاقی مرزی سوریه، عراق و اردن حضور دارند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸ در اظهاراتی مدعی شد که داعش شکست خورده و این تنها دلیل حضور نیروهای آمریکایی در خاک سوریه بوده است، ابتدا یک تاریخ ۳۰ روزه برای خروج نیروهایش اعلام و سپس این تاریخ را تا ۴ ماه تمدید کرد (New york times, 2018/12/19). از طرفی باید در نظر داشت که

<sup>۱</sup> Hmeimim پایگاه هوایی حمیمیم یک نام عربی است که به صورت خمیمیم در روسی تلفظ شده است.

همان‌طور که «لیندسی گراهام»، نماینده جمهوری‌خواه سنای آمریکا بیان می‌دارد خارج کردن نیروهای آمریکایی از سوریه را یک پیروزی بزرگ برای ایران و سوریه است. دولت سوریه همواره به حضور آمریکایی‌ها در سوریه اعتراض داشته و آن را اشغالگری خوانده است. روس‌ها نیز بر این اعتراض دمشق صحنه گذارده‌اند؛ بنابراین با خروج آمریکایی‌ها حضور روس‌ها در سوریه بهتر ادامه خواهد داشت (Ibid).

### جلوگیری از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان تندرو

اسلام دومین دین بزرگ در جمهوری فدراتیو روسیه است. پیشینه ورود اسلام به روسیه به قرن ۷ هجری قمری بازمی‌گردد و نتیجه آن جمعیتی حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیونی مسلمانان در روسیه کنونی است. بیشتر مسلمانان در مناطقی بین دریای سیاه و دریای خزر زندگی می‌کنند. ۹ جمهوری مسلمان‌نشین بخشی از فدراسیون روسیه را تشکیل می‌دهند و اسلام به‌عنوان دومین دین روسیه در تاریخ روسیه ریشه دارد. مسلمانان روسیه متعلق به بیش از ۴۰ گروه قومی و قبیله‌ای هستند. در یک نگاه بین نمایندگان مسلمان روسیه کسانی به‌عنوان نماینده یک‌نهاد قومی، فرهنگی و تاریخی هستند که به‌عنوان بخش ارگانیک جامعه اسلامی به شمار می‌روند. همچنین در خارج از کشور متعصبان دینی هستند که ویژگی‌های خاص آنان را از دیگران متمایز می‌کند. این ویژگی به‌عنوان یک نتیجه از روابط میان فرهنگ‌های خاص محلی و سنت‌گرایانه در اتحاد شوروی به‌صورت غالب درآمده است. با این حال در ماورای این تجربه مشترک در میان مسلمانان در روسیه شیوه‌های گوناگون از دین اسلام در سطح‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌صورت یک آرزو در آمده است (مریدی و بخشنده، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

با توجه به مطالب فوق از یک طرف و حضور تعداد قابل توجه مسلمانان روس تبار در قالب گروه‌های تروریستی بین‌المللی مانند ارتش مجاهدین و الانصار که این گروه تروریستی در اواخر سال ۲۰۱۳ با عضویت ۸ هزار تروریست خارجی از کشورهای حوزه قفقاز مانند چچن و ازبکستان به سرکردگی عمر الشیشانی در شمال حلب و در مرزهای با

ترکیه تشکیل شد. فعالیت این گروه تروریستی در مناطق شمالی سوریه است و خود را وابسته به داعش می‌داند. بسیاری از اعدام‌های شهروندان سوری توسط برخی از اعضای ارشد این گروه که در جنگ‌های بوسنی و هرزگوین و جنگ طالبان علیه نیروهای شوروی شرکت داشته‌اند، انجام می‌شود. در حال حاضر فعالیت این گروه در پی عملیات ارتش بسیار محدودتر شده و بیشتر سرکرده‌های آن از پای درآمده‌اند (Qoorbani, 2016). «دوکو عمروف» رهبر گروه امارت قفقاز (یک گروه چچنی) که می‌خواهد شریعت اسلامی را در جنوب روسیه اجرا کند. در سال ۲۰۱۱، بمب‌گذاری این گروه در فرودگاه مسکو باعث مرگ ۳۶ نفر شد و عملیات انتحاری دیگر در متروی مسکو در سال ۲۰۱۰، باعث مرگ ۴۰ نفر شد. عمروف در سال ۱۹۴۶ در جنوب چچن به دنیا آمده و از جوانی جزء گروه‌های جدایی طلب بوده است. زمانی که بوریس یلتسین در سال ۱۹۹۴ به چچن حمله کرد، عمروف یکی از اعضای گروه‌های مدافع بود و علیه نیروهای روسیه می‌جنگید. دولت آمریکا برای پیدا کردن نشانی از محل اقامت او ۵ میلیون دلار جایزه تعیین کرده است (FNA, 2017).

### تجزیه و تحلیل

روسیه به عنوان کشوری قدرتمند منافع فراوانی در خاورمیانه تعریف کرده و به دنبال بازیابی دوباره جایگاه خود در عرصه بین‌الملل است. قاعدتاً مسکو به هر طریقی درصدد مدیریت بحران سوریه است. از دریچه این بحث چگونگی، چرایی و انواع فنون مدیریت و مهار مسئله سوریه توسط مسکو از اهمیت بسزایی برخوردار است. دمشق با مسکو فاصله زیادی دارد و به صورت طبیعی حاضر نیست به خاطر دفاع از این متحد وارد مرحله نظامی-گری فراگیر زمینی شود، بنابراین بر طبق رهیافت این کشور تأکید اصلی خود را بر مدیریت نرم‌افزاری بحران از طریق کانال‌های دیپلماتیک سیاسی مسالمت‌آمیز قرار داد. گام اول روسیه در مدیریت این بحران تلاشی مداوم و پایدار جهت برگزاری مذاکرات دیپلماتیک چندجانبه ژنو یک و دو و ارائه طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی عملی به منظور

خاتمه بحران از طریق گفتگوهای فراگیر چندجانبه، قائل نشدن وجاهت قانونی برای نشست‌های دوستان سوریه، حمایت همه‌جانبه از طرح‌های «کوفی عنان»، «اخضر ابراهیمی» و «دی‌مستورا» فرستاده‌های ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه و فراهم ساختن بستر مناسب در راستای موفقیت‌آمیز بودن مأموریت و وتوی قطعنامه‌هایی که تنها چاره حل بحران سوریه را مداخله نظامی جهت خلع بشار اسد می‌دانست. البته این بدان معنا نیست که روسیه دیگر نقشی در بحران ایفا نکرده است بلکه در کنار دولت مرکزی در مدیریت بحران خود که همان حل مسالمت‌آمیز بحران بود، با مشاهده حمایت‌های کنشگران منطقه-ای و فرا منطقه‌ای از مخالفان، به اقداماتی نظیر کمک‌های نظامی و تسلیحاتی بیشتر از متحد خود، مانند تحویل سامانه موشکی اس ۳۰۰، کمک‌های اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف و جنگ الکترونیکی، حمایت‌های مالی و اقتصادی مانند فراهم کردن امکان مبادلات اقتصادی از طریق بانک‌های روسیه و تسهیلات جهت فروش نفت خود به‌وسیله روسیه و حمایت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای، به‌عنوان ابزارهایی مکمل مدیریت بحران نرم‌افزاری، اقدام نمود. زرمه تصمیم روسیه مبنی بر اقدام به بمباران هوایی کوتاه‌مدت مواضع داعش و دیگر گروه‌های تروریستی نیز در راستای بازگرداندن توازن قوای نیروها به نفع بشار اسد خواهد بود و علی‌رغم تأثیرات میدانی چنین حملاتی نمی‌توان به آینده آن زیاد خوش‌بین بود و به احتمال زیاد روس‌ها پس از مدت‌زمان کوتاهی بخشی از نیروهای خود را از این کشور خارج خواهند ساخت.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای حل و فصل مسائل خاورمیانه، اقدام و مشارکت ترکیه و ایران به‌عنوان دو قدرت سطح اول در منطقه جنوب غرب آسیا، در کنار مشارکت با قدرت فرا منطقه‌ای روسیه که می‌توان اهداف راهبردی و تاکتیکی متنوعی به‌خصوص در صحنه عملی سوریه در راستای منافع ملی و بین‌المللی این سه کشور متصور بود و اینکه حذف یکی از این دو قدرت، به ناکامی در حل و فصل امور منطقه حتی با

حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای منجر خواهد شد. ضمن این‌که سایر کشورهای منطقه هم در جایگاهی نیستند که بتوانند خلأ ناشی از عدم حضور این دو قدرت را جبران کنند.

اهم اهداف ایالات متحده در بحران سوریه را باید در تأمین امنیت و منافع رژیم صهیونیستی، تضعیف جبهه مقاومت با محوریت ایران و سوریه، گستره نفوذ و هژمونی خود در منطقه و جهان، تضعیف ایران به‌عنوان نماد اسلام سیاسی در منطقه، تلاش برای پیشبرد صلح اعراب و رژیم صهیونیستی از طریق سقوط بشار اسد و درنهایت مقابله بانفوذ روسیه در خاورمیانه دانست. ایالات متحده در این راستا سعی نمود تا با تصویب قطعنامه‌های ضد سوری در شورای امنیت و حمایت‌های سیاسی از مخالفان، اهداف و ملاحظات خود در بحران سوریه را پیش ببرد. از سوی دیگر، روسیه نیز به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، ضمن حمایت قاطع از نظام حاکم سوریه و جلوگیری از تصویب قطعنامه‌های ضد سوری در شورای امنیت و تداوم کمک‌های نظامی تسلیحاتی به این کشور، سعی نمود اهداف و منافع خود را در بحران سوریه و در مقابل غرب دنبال نماید. اهداف و ملاحظات روسیه در حمایت از نظام کنونی سوریه شامل مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی، سیاسی و امنیتی نظامی بوده است. اهم این اهداف عبارت‌اند از:

- ۱- تجارت اسلحه و حفظ نظام سوریه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین خریداران سلاح-های روسی.
- ۲- تلاش برای جلوگیری از تکرار دوباره سناریوی لیبی در رویه بین‌المللی در مقابل متحدان حوزه نفوذ خود.
- ۳- تقویت جایگاه بین‌المللی روسیه به‌عنوان یک قدرت ذی‌نفوذ جهانی.
- ۴- حفظ سوریه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های استراتژیک خود در خاورمیانه.
- ۵- جلوگیری از قدرت‌گیری اسلام‌گرایان تندرو در سوریه و سرایت آن به مناطق مسلمان‌نشین روسیه و قفقاز.
- ۶- حفظ ثبات رژیم حاکم در روسیه در مقابل مخالفان داخلی.

## نتیجه گیری

مطالعه اسناد سیاست خارجی و امنیتی کشور روسیه که در سال‌های پس از فروپاشی شوروی منتشر شده است و نیز، رفتار سیاست خارجی این کشور در عرصه تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای گویای این است که کرملین سه هدف کلان و اساسی زیر را از اقدام نظامی در سوریه دنبال می‌کند:

اول؛ احیاء جایگاه بین‌المللی این کشور به‌عنوان یک «قدرت بزرگ». در واقع اقدام نظامی در سوریه به معنی به چالش کشیدن سیاست آمریکا و اروپا در خاورمیانه است. اقدام نظامی در سوریه حامل این پیام برای آمریکا و اروپاست که کنشگری روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ را بپذیرند و به جایگاه بین‌المللی و منافع جهانی روسیه احترام بگذارند.

دوم؛ توسعه نفوذ و تحکیم موقعیت ژئوپلیتیک روسیه در خاورمیانه؛ با این توضیح که پایگاه نظامی روسیه در «طرطوس» واقع در مرزهای غربی سوریه و شرق مدیترانه تنها نقطه اتکای ژئوپلیتیک روسیه در خارج از مرزهای شوروی سابق است و حضور در چنین موقعیتی این امکان را به کرملین می‌دهد که عمق راهبردی و ظرفیت عملیاتی خود در سراسر شرق مدیترانه را توسعه داده و منافعی در حوزه مدیترانه را به‌طور مؤثرتری دنبال نماید. روسیه توانسته جای پای نظامی خود در سوریه را به لاذقیه گسترش دهد و این دستاورد بسیار بزرگی است.

سوم؛ دور کردن بحران از محیط امنیتی روسیه؛ در کنار اهداف فوق‌الذکر مجموعه‌ای از اهداف عملیاتی را نیز می‌توان ذکر کرد که فراهم کردن شرایط برای ارتش سوریه در جهت بازپس‌گیری موقعیت‌های حساس و مهم از دست‌رفته، کسب آمادگی برخورد نظامی با تروریست‌ها و رفع نگرانی کرملین از حضور اتباع این کشور و برخی کشورهای مشترک‌المنافع از جمله تاجیکستان در بدنه فرماندهی و عملیاتی داعش که علیه دولت قانونی سوریه می‌جنگند.

روس‌ها به این تحلیل رسیده بودند که اگر اقدام مؤثری در حمایت از بشار اسد به عمل نیاورند ناگزیر باید عرصه رقابت در خاورمیانه را به دیگر بازیگران و رقبای خود واگذار کنند. روسیه به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، ضمن حمایت قاطع از نظام حاکم سوریه و جلوگیری از تصویب قطعنامه‌های ضد سوری در شورای امنیت و تداوم کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به این کشور، سعی نمود اهداف و منافع خود را در بحران سوریه و در مقابل غرب دنبال نماید. اهداف و ملاحظات روسیه در حمایت از نظام کنونی سوریه شامل مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی بوده است. بررسی سند سیاست خارجی جدید روسیه دارای نکاتی در حوزه همکاری‌های منطقه‌ای در خاورمیانه است که نتایج قابل توجهی را منعکس می‌نماید؛ مبارزه با داعش، برای اولین بار در یک سند بالادستی روسیه بر مبارزه با داعش سخن به میان آمده و به ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی با مشارکت روسیه برای مبارزه با این گروه تأکید شده است. حل بحران سوریه به‌طور خاص در این سند و در چارچوب مبارزه بین‌المللی با تروریسم از اهمیت مهمی برخوردار است. در برآوردهای مختلف، بین ۳ تا ۱۵ هزار نفر از اتباع روسیه و کشورهای از جمله منطقه قفقاز شمالی در گروه‌های مختلف تروریستی در سوریه و عراق حضور دارند و بازگشت آن‌ها امنیت ملی روسیه را به خطر خواهد انداخت. تأکید بر همکاری با جهان اسلام؛ در این سند، خواهان حل و فصل مناقشات خاورمیانه از راه سیاسی و بدون دخالت طرف خارجی هستند. در این سند از یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای حمایت شده است. تأکید بر قانون‌گرایی و اجتناب از یک‌جانبه‌گرایی. چشم‌انداز و دیدگاه روسیه در بروز مناقشات آینده در جهان؛ در این سند تأکید شده، هرچند احتمال بروز جنگ هسته‌ای بسیار کم است اما خطر افزایش بروز جنگ‌های منطقه‌ای وجود دارد به عبارتی، روس‌ها آینده جهان را همراه با بروز تنش و درگیری در مناطق مختلف جهان می‌دانند. در دکترین سیاست خارجی روسیه، مقابله با تهدیدات غرب به‌ویژه آمریکا آمده است. روس‌ها در این سند تأکید دارند که استراتژی آمریکا و اروپا (ناتو) برای مقابله و اعمال فشار و اجرای

تحریم‌ها علیه روسیه، منجر به ایجاد آسیب و بی‌ثباتی در امنیت منطقه و بین‌الملل می‌گردد. در این دکترین تأکید گردیده است که روسیه نه‌تنها در مقابل فشارهای آمریکا و غرب می‌ایستد بلکه حق پاسخ قاطعانه متقابل برای خود را محفوظ می‌دارد؛ اما در این سند بر تفکیک اتحادیه اروپا و آمریکا (ناتو) از یکدیگر اصرار ورزیده و از اتحادیه اروپا به‌عنوان یک شریک اقتصادی یاد نموده و خواهان همکاری مستمر و باثبات بین دو طرف است.

سیاست نگاه به شرق روسیه منجر شد تا روس‌ها برای تأمین مایحتاج خود به تدریج به بازارهای شرق روی آورده و در کنار آن بازتعریفی از سیاست‌ها و استراتژی انرژی خود را انجام دادند. خطوط لوله‌ای که به سمت شرق روسیه کشیده شده نشان می‌دهد بازارهای آینده انرژی روسیه کشورهای شرقی هستند. روس‌ها به این نکته آگاه‌اند که اتحادیه اروپا به دنبال کاهش وابستگی به نفت و گاز روسیه هستند، طبیعی است روسیه برای مقابله با سناریوهای اروپا به دنبال راهکار جایگزین برای فروش نفت و گاز خود باشد و لذا در این سند بر اساس یک سیاست پایدار، نگاه به شرق معطوف شده است. روابط با شرق به‌صورت دوجانبه و مشارکت در گروه‌های مختلف (برعکس، شانگهای و...) خواهد بود.

اصول و اهداف سیاست خارجی روسیه در منطقه‌ی خاورمیانه مبتنی بر ایجاد موازنه‌ی قوا و ارتباط با همه‌ی بازیگران، مبارزه با تروریسم و کاهش بی‌ثباتی است. این اهداف عمدتاً از راه تجارت (صادرات) انرژی، فروش تسلیحات، دیپلماسی و غیره تأمین می‌شوند. با تبدیل سوریه به عرصه‌ای برای حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، روسیه نیز در این بحران حضور یافت. در این بحران، روسیه به یکی از مهم‌ترین بازیگران تعیین‌کننده‌ی سیاسی و میدانی بدل شد درزمینه‌ی آینده حکومت سوریه نیز طبق سند منتسب به روسیه درباره قانون اساسی آینده سوریه، حکومت تکثرگرای فدرالی غیرقابل تجزیه مدنظر روسیه است.



## منابع

- برزگری، افشین (۱۳۹۲)، مواضع روسیه در قبال تحولات سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۳، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۸۰-۵۳
- مریدی، بهزاد؛ بخشنده، خاطره (۱۳۹۰)، هویت و سیاست در جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه: مطالعه موردی داغستان و تاتارستان، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۳۸-۱۱
- دلایل حمایت روسیه از سوریه (13نیر، 1391). Retrieved from FA.ALALAMTV. <https://fa.alalamtv.net/news/344334>
- Adami, ali; Akharaldin(2013); Russia " s foreign policy in response to the Syrian crisis: roots, goals and outcomes, Tehran: Quarterly of Political Sciences
- Afshordi, Mohammadhossain; Madani, Seyyad Mostafa(2009); Regional power system structure in the Middle East (stressing the top countries in the region), Tehran: Human Sciences MODARES, [in Persian]
- Aftekhari, Asghar(2002); Fundamental steps of thought in national security studies, Tehran: Reserch Institute of strategic studies, [in Persian]
- Anderson, Ewan W.(۲۰۰۰); The Middle East: geography and geopolitics, London
- Atai, Farhad; Shojai Mohammadkazem(2010); Russian position in the international system, Tehran: The Institute for Iran-Eurasia(IRAS)\_5 NO\_6, [in Persian]
- Asposito, Jean and Mohamed A. Muqtadrjan (2003), "religion and policy in the Middle East," Der Middle East today: an attempt to understand, to edit Debora c. Jarner, translating Ahmed Hamid Ahmed, his compelling: The Supreme Council for Culture,;
- Baylis, John and other (2004); Strategy in the contemporary word an introduction to strategic studies, Tehran: International Studies&Reserch Institute Abrar Moaser, [in Persian], DOI .355.03
- Buzan, Barry (۱۹۸۳, ۱۹۹۱& ۲۰۰۷); People, states and fear: An Agenda for International Security Studies in the post-cold war Era, London: Harvester wheatsheat publication, [in Persian]
- Buzan, Barry and Gonzalez Pelaez(2009); International Security and the Middle East: English School Theory at the Regional Level, Translate by Qahremanpour, asqar, Tehran: institute of Amirkabir, [in Persian].

- Drysdale, Alasdair and Gerald Henry Blake(۱۹۸۵), The Middle East and North Africa: a political geography, New York;
- EbnHaek, Hassan (1983); Soffeh of the Arab Island, Sanaa: Maktab Alarshad(1403)
- Eghtesadonline(2017); AMERICAN-RUSSIAN MARKET TO SELL Weapons, <http://www.eghtesadonline.com/2017/02/12>, 6:34; 178145
- Fatthi, Mohammadjavad and others(2016); Russia and the Syrian crisis management, Tehran: First international conference of crises in the Islamic world, [in Persian]
- Fars News Agency(2017); <http://fna.ir/a2of7h/> (2017/12/07),
- From Jeremy Page in Moscow, The rise of Russian Muslims worries Orthodox Church; <http://www.islamawareness.net/Europe/Russia/rise.html>, [in Persian].
- Goodby, James (2003); Regional conflicts: the challenge to US- Russian cooperation, Translate by Saeedabadi, Mohammadreza, Tehran: Reserch Institute of strategic studies, [in Persian]. dio. ۳۲۷/۷۳۰۴۷۰۹۰۴۹ )
- Haggett, Peter (1996); geography: a new combination; Translation by Goodarzanejad, Shapoor, Tehran: SAMT, [in Persian].
- Hamideneya, Hossein(2014); colonialism and geographic naming, Tehran: institute of Islamic culture and thought, [in Persian]
- <https://donya-e-eghtesad.com>; 2017/01/20, Tehran:3160947, [in Persian]
- <https://wikipedia.org/>
- <http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4669>.
- <http://www.khamenei.ir>
- SIPRI.org / Arms Transters Database (12 March2018). pdf
- Kakai, Ahmed Yaha(1986); Middle East and international conflict, an overview of the area in the conflict, Arot;
- Kemp, Geoffrey; Harkavy, Robert E(2004); Strategic geography and the changing Middle East, c1997, Translat by; Hoseini Matin, Mahdi, Tehran: riss [in Persian]
- Keramatinya, Roqqayeh(2017); Leonid Jesusof in talks with IRAS, Tehran: The Institute for Iran-Eurasia(IRAS)\_ 2017/10/30, [in Persian].
- Koolae, Elaheh(2009), Causes and Effects of Development of the Relations of the Russian Federation – Israeli, Tehran University, [in Persian].
- Koolae, Elaheh; Nouri Alireza (2010); Putin's pragmatism and change in the foreign policy of Russia, University of Tehran: Quarterly Review of Policy, Journal of Law and Political Science, 2, 2 228 - 209. [in Persian].
- kayani, Davood(2007); Russian policy in the Middle East: axes and Motivations, [www.csr.ir/departments.aspx](http://www.csr.ir/departments.aspx)
- Kort, Michael G.(۲۰۰۸); The handbook of the Middle East, Minneapolis.

- Lenczowski, George(2002); The Middle East in world affairs, Translat by Jazayeri Ahmad, Tehran: Aqball Publications, [in Persian].
- Mehr News Agency(2017); <https://www.mehrnews.com/news,2017/11/24;4153215>.
- Miller, David(1997); Nationality: Some Replies, Applied philosophy, Volume 14, Issue 1
- Mondale, Robert(2008); National Security variable face, Tehran: Reserch Institute of strategic studies, [in Persian].
- Mousavi, Rasool(2006); "Russia and the Middle East in Putin", Tehran: Quarterly Defense Strategy; number 11.
- Mossalanejad, Abbas(2009); The causes of the persistence of the crisis in the Middle East region in the course of George Bush, Tehran: The Journal of Political Sciences, [in Persian].
- Najafi, Mustafa; Fattemi, Sayedmehrzad(2015); The role and pattern of the great powers in the crises in the Middle East, Tehran: International Conference on the Role of the Islamic Revolution Management in the World Military Power geometry, [in Persian].
- Najafi, Mustafa; Fattemi, Sayedmehrzad(2015); The role and pattern of the great powers in the crises in the Middle East, Tehran: International Conference on the Role of the Islamic Revolution Management in the World Military Power geometry, [in Persian].
- Nuroozi, Mohammad Taqi(2006); Defensive - security Vocabulary (lexicon), Tehran: Management Studies and Research Center, [in Persian].
- of the Ministry of Education in Iran(1987); Geography of Iran, Tehran: Ministry of Education of Publications, [in Persian].
- O. Lake, David; patrick. um. Morgan(2002); Regional orders; security in a new world; Translate by Sid Jalal dehghaifiroozabadi, Tehran: Reserch Institute of strategic studies, [in Persian]
- Pishgahi Fard, Z. Hosseini, S.M. & M. Farahani, 2014, Ranking the national power of Middle Eastern countries using compensatory multi-criteria decision making, Journal of Disciplinary Geography, No. 5, PP. 1-44,
- Qoorbani, hamidreza(2016); - Large and big - scale terrorist groups in Syria, Tehran: Young Journalists Club (YJC), 2016/03/16 NO 5627664, [in Persian].
- Rashnoo, Nabi Allah(2013); Geopolitical Approaches and Interests in the Middle East and North Africa Evolutions, Tehran: Geopolitics Quartely, Vol.9, No.1
- Razaveyan, Mohammadtaghi(1979); Outline of the Middle East, Tehran: Shahid Beheshti University, [in Persian]

- Rezaimyrghaed, Mohssen(2005); Regional Iran, Tehran: Geographical organization force of forces, [in Persian]
- Roohani, Hassan(2009); familiarity with islamic countries, Tehran: Mashar continued publication, [in Persian]
- Salemi, Hossein(2009); South - West Asia as a region? analysis of the region 's capability to south - west Asia, Tehran: Iranian Association of Geopolitics 5No-15,pages, [in Persian]
- Shokoohi, Saeed(2011); Russia Goals and positions towards the crisis in Libya, International Peace Studies Centre(IPSC), [in Persian]: at: [http://peace-ipsc.org/fa\(2011/04/13\)](http://peace-ipsc.org/fa(2011/04/13)).
- SIPRI.org / Arms Transters Database (12 March2018)
- Yazdi, Mohammad Ahmad(2015); <http://tn.ai/841921>, Tehran: Tasnim News Agency; 2015/08/28, [in Persian].